

## Predigt für den 21. Sonntag nach Trinitatis

### Epistel: Epheser 6, 10-17

خلاصه ای برادران من، در خداوند و در توانایی قوت او زور آور شوید.  
اسلحه تمام خدا را بپوشید تا بتوانید به گریزهای ابلیس مقاومت کنید.  
زیرا کله ما از کشتی گرفتن با خون و جسم نیستند بلکه با ریاستها و قدرتها و جهانداران این ظلمت و با فوجهای روحانی شرارت در جایهای آسمانی.  
لهذا اسلحه تمام خدا را بردارید تا بتوانید در روز شریب مقاومت کنید همه کار را به جا آورده، بایستید.  
پس کمر خود را به راستی بسته و جوشن عدالت در این ر کرده، بایستید.  
و نعلین استعداد انجیل سلامتی را بپوشید.  
و بر روی این همه، سپر ایمان را بشکند، که به آن بتوانید تمامی تیرهای آتشین شریب ظلمت و ش کنیند.  
و خود نجات و شمشیر روح را که کلام خداست بردارید.

### Evangelium: Matthäus 5, 38-48

شنیده اید که گفته شده است، چشمی به چشمی و دندان به دندان؛  
لیکن من به شما می گویم، با شریب مقاومت کنید، لکن که به رخساره راست تو طپانچه زند، دیگری را نیز به سوی او بگردان  
اگر کسی خواهد با تو عوا کند و قبای تو را بگردد، عباي خود را نیز بدو واگذار  
هنگام کسی تو را برای کمیل مجبور سازد، دو میل همراه او برو  
هر کس از تو واول کند، بدو ببخش او را کسی که قرض از تو خواهد، روی خود را برگردان  
شنیده ای که گفته شده است، همسایه خود را محبت نما و با دشمن خود او ت کن  
اما من به شما می گویم که دشمنان خود را محبت نمایند و بر این کنندگان خود را کت بطلبید و بکافی که از شما فرات کنند،  
احسان کنید و بهر که به شما فحش دهد و جفا رساند، دعاخیر کنید  
تا پدر خود را که در آسمان است پسران شویزیرا که آفتاب خود را بر بدن نویکان طالع می سازد و باران بر عادلان و ظالمان  
می باراند.  
زیرا نگاه آلتی را محبت نماید که شما را محبت می نمایند، چه اجر دارید؟ آیا با بگیران چنین نمی کنند؟  
و هرگاه برادران خود را فقط سلام گوید چه فضیلت دارید؟ آیا با بگیران چنین نمی کنند؟  
پیشما کامل باشیچنا که پیشما که در آسمان است کامل است

همچنان که پدر مرا محبت نمود، من نیز شما را محبت نمودم؛ در محبت من بمانید  
اگر چه کام مرا نگاه دارید، در محبت من خواهید مانیچنا که من کام پدر خود را نگاه داشته ام و در محبت او می مانم  
این را به شما گفتم تا خوشی من در شما باشد و شاد شما کامل گردد  
این است که من کی کیگر را محبت نمایم همچنان که شما را محبت نمودم  
کسی محبت بزرگتر از این ندارد که جان خود را بجهت دوستان خود بدهد  
شما دوست من هستید اگر آنچه به شما شملد کم می کنم بجا آرید  
دیگر شما را بنده نمی خوانم زیرا که بنده آنچه آقایشی کند نمی داند؛ کن شما را دوست خوانده ام زیرا که هر چه از پدر شنیده ام  
به شما بگویم  
شما مرا بزرگ زیدی، که من شما را برگزیدم و شما مرا قرر کردم تا شما بروید و میوه آورید و میوه شما بماند تا هر چه از پدر به  
اسم مرطاب کنید به شمسط کند  
به این چیزها شما را کم می کنم تا کیگر را محبت نمایم

### یوحنا فصل 51 آیه 9 تا 71

خانواده جاییست که ادما دور هم جمع میشوند و پشتیبان همدیگرند و یا در حیاط مدرسه جمع میشوند به عنوان کلس اولی

یا جایی که برادر بزرگتر حامی بقیه است یا جایی که خاله آدم به آدم 003 یورو فرض میدهد برای دادن پول وکیل همه اینها تعریف خانواده است. جمع دوستی هم به همین معنی است و همپشت هم هستند و در مواقع خطرپشت هم هستند و حتی وقتی از دست هم عصبی هستند. جایی که همه این حمایت ها را برخوردار میشویم محول دوستی است. یک جماعت مسیحی هم به همین معناست جاییست که همپشت هم هستند و آدم میتواند گذشته از ملیت و فرهنگ و مشکلات آنها ما از هم حمایت می کنیم. در این اجتماع همه فرزندان خدا جمع میشوند و هدفشان یکی است و یک صدا هستند. همه اینها را ( خانواده و دوستی و اجتماع مسیحی ) خداوند به ما داده است. و ما باید از این بابت خوشحال بوده و از خدا تشکر کنیم ما این را هم می بینیم که او وجود دارد و تأثیرات او را هم می بینیم. برخلاف این حرفها که زده شد ما چیزهایی را پیدا میکنیم که فقط خوشی آنها برای یک زمان محدود است و ادامه دار نیست. ادما در این وضع به صورت طبیعی خراب میشوند و همیشه یک مشکلی به وجود می آید. جایی هم وجود دارد که دوستی از ما خودش را با الکل و مواد خراب میکند و این برخلاف آن چیز است که الان گفتیم. جاییکه یک خانواده واقعی نباشد مشکلات و بدی ها از همین جا شکل می گیرد. مشکلاتی که بین زن و شوهرها است و خبری از عشق نیست و جایی که فرزندان پدر و مادرها را اذیت می کنند... همه اینها از این مسأله نشأت می گیرد. جایی که جماعت مسیحی نباشد این اتفاقات می افتد و خبری از حمایت نیست. مابه عنوان یک مسیحی دومین راهی هم داریم: یا اینکه ما در محل زندگی خودمان محدودیم و کارهایی در همان محدودیت انجام می دهیم، و ما این را حساب میکنیم که چه قدر از این محبتی که به دیگران می دهیم به من برمیگردد مثل می گیم از خانواده خودم چه فایدهای میتوانم ببرم! اگر نفعی نداشته باشه برای من همه این کارها را رها میکنم و همه این اجتماعات از هم می پاشد. چیز دیگری که وجود دارد که مابه این اتفاقات اطرافمان همیشه شک داریم و معتقدیم که هیچ راهی برای درست کردن اطرافمان وجود ندارد. ما میتوانیم آیا از همه مشکلات شیطانی اطرافمان سالم بیرون بیاییم؟ اگر این مشکلات اطرافمان را نادیده بگیریم آیا اینها برطرف می شود؟ مابه عنوان مسیحی سومین راهی هم داریم! جایی که دید ما به این دنیا و خانواده و دوستانمان خدایی می شود. و جایی که قدرتی که ما داریم از تافن می آید و از کالیسا، که ما قسمتی از خداوندیم و با عیسی دوستیم، خلدی در ماست و عیسی برادر ماست، روحالقدس مرتبط ما با خدا و ایمان ماست و باعث ارتباط ما با دیگران میشود. این حرفها به چه معناست. این به این معناست که عیسی پشت مناست مثل یک برادر بزرگتر، او فقط به من گوش نمیدهد بلکه او زندگی اش را نثار ما کرده و هیچ کس هم چنین لطفی را برای ما انجام نمی دهد. با تمام قدرت با ما دیدار میکند برای اینکه او نمیخواهد ما خوراک شیطان شویم. او همه گناهان ما را به دوش گرفت و به عنوان یک برادر بزرگتر او این گناهان را تا قبر بر دوش کشید. برای تو تا تو با او به آزادی برسی و بتوانی یکی از دوستان او بشوی و یکی از اعضای جمع او در این دنیا شوی که نشانی از اجتماع بزرگ او در آسمان است. و او تو را در جمع دوستان خود قرار میدهد نوک خودش. فرق اینها با هم چیست؟ به عنوان ارباب، او نوکر را از بال نگاه میکند و به چشم تحقیر ولی عیسی این دید را نسبت به ما ندارد. به این خاطر او به صورت یک انسان پیش ما آمد و این نشانگر این است که او برادر ماست نه ارباب ما، او تمام غمها و غصهها را بر دوش میگیرد و آدم وقتی در این جمع مسیحی باشد میتواند رشد کند و به ادماهای دیگر هم کمک کند و به این ترتیب ما با این قدرتی که دریافت میکنیم میتوانیم به دیگران هم خدمت کنیم. آدم برای یک دوست بیشتر تلاش میکند تا برای یک ارباب یا کارفرما، و این دیدی است که خداوند به ما داده است. خداوند به ما دانایی داده تا بتوانیم همه اینها را انجام دهیم. و بدین ترتیب به این معنی است که ما باید کلمه او را پاسداری کنیم. هرچند که آدم توسط خداوند تولد نیافته ولی با تافن این اتفاق می افتد و همه ما فرزند او می شویم. و عضوی از اجتماع مسیحی میشویم با تافن و یک خانواده و یک اجتماع میتواند ما را از خیلی از مشکلات ما را نجات دهد و البته یک سری اصولی هم در هر اجتماعی وجود دارد. با این خانواده ما توان داریم با همه مشکلات کنار بیاییم و ما توان دنبال کردن کلمه خدا را داریم و مانه تنها باید دوستانمان را محبت کنیم بلکه باید دشمنانمان را هم محبت کنیم. اینجا توحید قیقت وجودی خود را میباید که در یک اجتماع مسیحی هستی و در این جمع قدرت دریافت میکنی، و انگیزه و جرأت تا بتوانی که اصول دین را بگیری، بدون این جمع تو با گرفتاری روبه رو میشوی مثل خوشه انگوری میشوی که تو از آن جدا میشوی و دیگر قدرتی نداری و شیطان تو را به آتش میفرستد وقتی کلمه خدا را ما نشنویم. و نتیجه میگیریم که باید پیش عیسی و خداوند و کلمه بمانیم و پیش او محول دوستی حقیقی و خانواده حقیقی ما است چون او ما را پشتیبانی کرده و خدا هم ما را به وسیله روحش یکی از اعضای خودش کرده و ما با دیگران در ارتباطیم و از این بابت از او متشکریم، از اینکه او ما را همیشه صدا بزند و ما را جمع کند و به ما در لحظات سخت کمک کند و ما برای اینکه بتوانیم فرد خوبی برای او باشیم به او دعا میکنیم. امین